

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری تا تعمیق همگرایی اقتصادی

محسن شکری^۱، رضا اکبریان^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۰

چکیده

خروج بریتانیا از منطقه خلیج فارس در اواخر دهه ۱۹۶۰، با استقلال سیاسی و اقتصادی شیخ‌نشین‌های عربی حوزه خلیج فارس همراه بود. ظهور این بازیگران جدید در عرصه نظام منطقه‌ای خلیج فارس، معادلات ساختاری منطقه را در ابعاد مختلف تحت شعاع قرار داد. دولت‌های عربی حوزه خلیج فارس تحت تأثیر دیالکتیک اندرکنش عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و امنیتی در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی هرچه بیشتر در ایجاد یک سازوکار درون منطقه‌ای ترغیب شدند. در نهایت، این دولت‌ها در یک حلقه ارتباطی مبتنی بر وفاق، شورای همکاری خلیج فارس را تشکیل دادند. این مقاله، با تبیین نظری و فرآیندی مبانی همگرایی منطقه‌ای و با اتکا به روش‌های مختلف تحلیلی (توصیفی، تحلیلی، تبیینی- علی، فرایندی، ساختاری، کارگزاری)، می‌کوشد به این سؤال پاسخ دهد که فرایند همکاری‌ها و همگرایی منطقه‌ای پس از شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس، با چه تحولات مهمی روبه‌رو بوده است؟ در این راستا، فرض مهم این نوشتار، این است که اولویت‌های شورای همکاری خلیج فارس پس از شکل‌گیری تغییر پیدا کرده و اعضا با نهادسازی بسترمند، ضمن مدیریت همکاری‌ها، مقدمات لازم را برای تعمیق همگرایی اقتصادی در سطح فراملی در بخش‌های مختلف فراهم کرده و با افزایش وابستگی متقابل بین یکدیگر، شورا را به یک پروژه همگرایی مهم در جهت منطقه‌گرایی اقتصادی مبدل کرده‌اند. یافته‌های پژوهش نیز با بررسی فرایند مدیریت همکاری‌ها در جهت تعمیق همگرایی اقتصادی در چارچوب مدل تحلیلی پژوهش، این فرض را تأیید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: شورای همکاری خلیج فارس، چندجانبه‌گرایی، تعاملات فراملی، همگرایی اقتصادی، وابستگی متقابل

۱. کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه شیراز، ایران Mohsenshokri85@yahoo.com

۲. (نویسنده مسئول) دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه شیراز، ایران rakbarian@shirazu.rose.ac.com

۱. مقدمه

بدون تردید، منطقه خاورمیانه یکی از مهم‌ترین، حساس‌ترین و پیچیده‌ترین مناطق جهان به‌شمار می‌رود. آنچه این منطقه را در تمامی ابعاد و حوزه‌ها برجسته ساخته، ویژگی‌های منحصر به فرد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی، جغرافیایی و ژئوپلیتیک آن است. امروزه این عوامل در پیوستار با هم و در فضایی دیالکتیک، اندرکنشی و به‌شکلی سیستماتیک، ساختار منطقه را به‌لحاظ ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و غیره متحول کرده؛ تا جایی که در چارچوب ساختار شبکه‌ای نوین این منطقه، می‌توان از انواع گره‌های ژئوپلیتیک سخن گفت که در این میان، مهم‌ترین آنها، «خلیج فارس» است.

این گره یا زیست‌بوم منطقه‌ای، پس از جنگ جهانی دوم و خروج بریتانیا، با تحولات زیادی روبه‌رو شد که مهم‌ترین آنها را می‌توان استقلال سیاسی و اقتصادی شیخ نشین‌های عربی حوزه خلیج فارس دانست؛ که این خود به‌معنای ظهور بازیگران جدید در عرصه نظام منطقه‌ای خلیج فارس بود. این شرایط معادلات ساختاری منطقه را تحت تأثیر دیالکتیک اندرکنش مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و امنیتی و قدرت در ارتباط با سایر بازیگران منطقه به‌نوعی تحت‌الشعاع قرارداد؛ به‌طوری که افزایش همکاری‌های این دولت‌ها در این فضای اندرکنشی، در نهایت، به شکل‌گیری سازمانی با عنوان «شورای همکاری خلیج فارس» در نظام منطقه‌ای خلیج فارس منجر شد.

پس از شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس، مسأله‌ای که به جرأت می‌توان گفت، هیچ‌گاه از سوی محققان و پژوهشگران (البته بیشتر داخلی) توجه نشده است، همگرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس بود. به‌همین دلیل و به دنبال خلط امر هستی‌شناختی با امر تجربی و قضاوت در چارچوب مشاهدات تجربی، اظهارنظرهای غیرواقع‌بینانه‌ای را در محافل علمی درخصوص همگرایی اقتصادی و پیشرفت آن در جهت منطقه‌گرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس ایجاد کرده است. این درحالی است

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری یا تعمیق همگرایی اقتصادی / ۱۵۳

که به نظر می‌رسد اولویت‌های شورای همکاری خلیج فارس از شکل‌گیری تغییر کرده و اعضا با نهادسازی بسترمند؛ ضمن مدیریت همکاری‌ها، مقدمات لازم را برای تعمیق همگرایی اقتصادی به‌عنوان یک فرایند و وضعیت با اثر سرایتی در سطح فراملی در بخش‌های مختلف فراهم کرده و با افزایش وابستگی متقابل بین اعضای یک پروژه همگرایی مهم در جهت منطقه‌گرایی اقتصادی مبدل شده است.

بنابراین، این جستار در نگاه به فرایند همگرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس با رویکردی انتقادی، نگاه سیستماتیک نظری و رویکردی تلفیقی از بعد روشی (و با تکیه بر روش‌های مختلف فرایندی، علی، بدیل‌سازی، دگرگونی، ساختاری و کارگزاری، مقایسه‌ای، تاریخی، تحلیلی - توصیفی و تبیینی) می‌کوشد با ارائه چشم‌اندازی جامع از فرایند همگرایی اقتصادی، تا حدودی از ابهامات و همچنین، خلأهای پژوهشی موجود (به‌ویژه در پژوهش‌های داخلی) در حوزه مطالعات روابط بین‌الملل، منطقه‌گرایی و سایر حوزه‌های نوعاً دخیل (مانند اقتصاد بین‌الملل با نگاه ویژه به مطالعات سازمان‌های پولی و مالی بین‌المللی و ادغام منطقه‌ای) بکاهد.

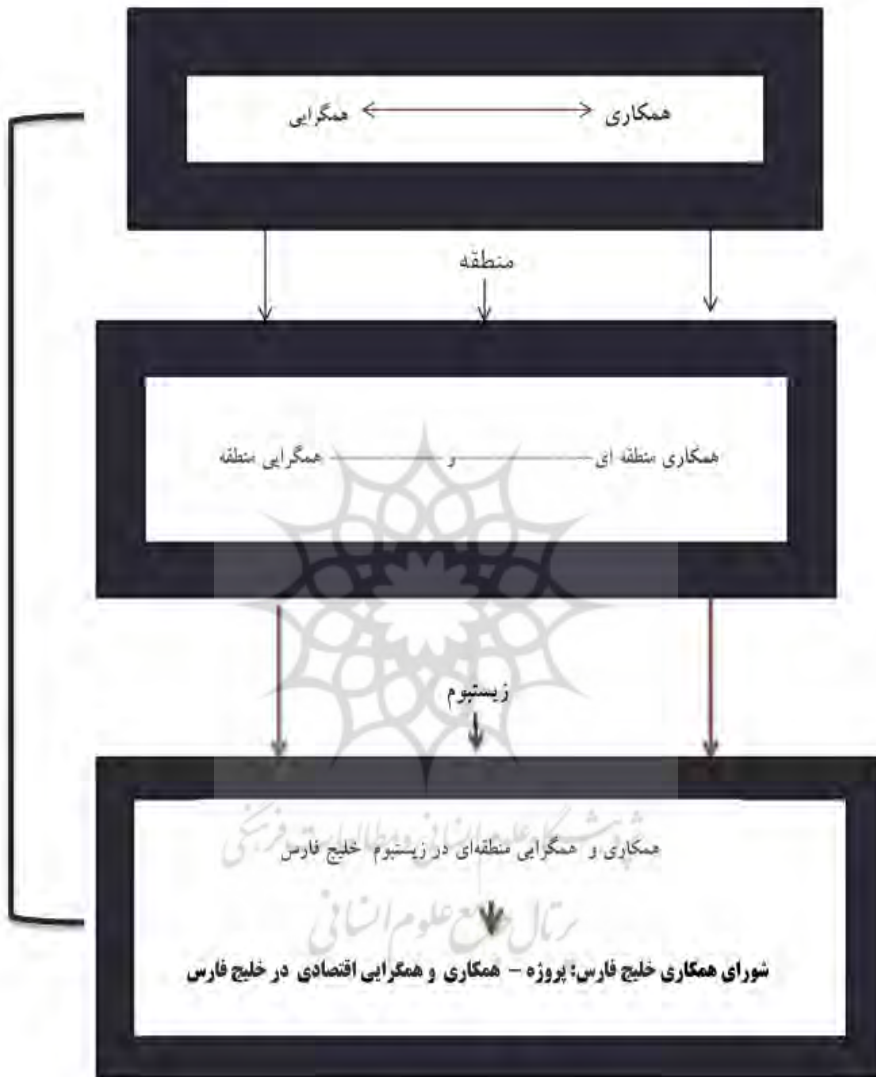
در این راستا، مقاله حاضر ابتدا با تبیین بنیادهای مفهومی پژوهش و همچنین، مبانی نظری و فرانظری همگرایی منطقه‌ای، به طرح الگوی مفهومی پژوهش خواهد پرداخت. در گام بعدی، ضمن واکاوی علل و فرایند شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس، تحول در اولویت‌های این سازمان را در بستر نهادی تجزیه و تحلیل نموده و در نهایت، در چارچوب الگوی پژوهش، فرایند مدیریت همکاری‌ها در جهت همگرایی اقتصادی را تبیین و بررسی کند.

۲. شبکه مفهومی پژوهش

۲-۱. همکاری و همگرایی - اقتصادی در زیست‌بوم منطقه‌ای: باید میان همکاری و همگرایی

هم به‌لحاظ کیفی و هم به‌لحاظ کمی تفاوت قائل شد. همکاری به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که با هدف کاهش تبعیض، تفاوت و تفکیک‌پذیری انجام می‌گیرد. این درحالی است که همگرایی دربرگیرنده اقداماتی است که در نتیجه آن، برخی اشکال تبعیض و تفرق متوقف می‌گردد؛ برای مثال، سیاست‌های مربوط به توافق‌نامه‌های تجاری بین‌المللی عرصه را برای همکاری بین‌المللی فراهم کرده؛ درحالی‌که همگرایی اقتصادی موانع تجاری را از بین می‌برد (Serhal, ۲۰۱۰: ۳۴-۳۶). جوزف فرانکل بر این اعتقاد است که همگرایی هم به‌عنوان «فرایند» همگرایی و هم به «فرجام» این فرایند اطلاق می‌گردد. فلیپ ژاکوب «همگرایی» را هم به‌عنوان وضعیت نهایی و هم به‌عنوان فرایند تلقی می‌کند (فتوحی، ۱۳۸۹: ۳).

در زیست‌بوم منطقه‌ای، همکاری را می‌توان به‌عنوان فرایندی بی‌انتها تلقی کرد که به موجب آن، یک دولت یا دولت‌ها در درون ناحیه‌ای ژئوپلیتیک با هدف تأمین منافع چندجانبه و حل و فصل مشکلات در زمینه‌های مختلف فعالیت می‌کنند، و همگرایی را فرایندی عمیق تعریف کرد که به‌موجب آن، واحدهای مستقل در درون یک کل ادغام می‌گردند (Lombaerde, ۲۰۰۹: ۸). در این زیست‌بوم، از یک سو همگرایی اقتصادی به‌عنوان یک فرایند، به کاهش موانع و محدودیت‌های مبادلات و انتقال کالا، سرمایه و کار میان کشورها، هماهنگ‌سازی قوانین و مقررات، پذیرفتن هنجارها و استانداردهای مشترک و همچنین، متحد کردن سیاست‌های اقتصادی و ایجاد نهادهای فراملی چون: منطقه تجارت آزاد، بازار مشترک، اتحادیه پولی و اتحادیه اقتصادی و سیاسی اشاره دارد (Mirus, Rylska, ۲۰۰۴). و از سوی دیگر، به مثابه یک وضعیت، موجود نبودن اشکال گوناگون تبعیض در میان کشورها را نشان می‌دهد (Serhal, ۲۰۱۰: ۳۴-۳۶).



شکل ۱: بنیان‌های مفهومی پژوهش

۳-۱. **نظریه سازه‌نگاری:** سازه‌نگاری به‌عنوان رویکردی فرانظری، همگرایی یا نبود همگرایی میان کشورها را با تأکید بر هویت‌ها، عوامل هنجار-ارزشی، رویه‌ها و ساختار معنایی رایج تبیین می‌کند (Dehboneh, ۲۰۱۱: ۱۷۲). در این راستا، سازه‌نگاران معتقدند که همگرایی از طریق «رویه‌ها و شناخت مشترک» میان بازیگران شکل می‌گیرد. از نظر آنها عوامل ژئوپلتیک، تاریخی و هنجارها با تحت تأثیر قرار دادن انگیزه و جهت‌گیری واحدهای موجود در یک زیست‌بوم می‌تواند زمینه را برای همگرایی و عدم همگرایی واحدها فراهم کند (Dehboneh, ۲۰۱۱: ۱۷۲-۱۷۳; Mohamma Nia, ۲۰۱۱: ۲۸۲). سازه‌نگاران از بعد امنیت نیز کنش‌ها و واکنش‌های واحدها را برخاسته از همین مؤلفه‌ها می‌دانند؛ نه متأثر از ساختار شبه عینی قدرت. به‌لحاظ هویتی، هرچه احساس یگانگی بین دولت‌ها بیشتر باشد، آنها بیشتر به سمت رویه‌های امنیتی جمعی اشتیاق نشان می‌دهند و در نتیجه، همکاری میان آنها تقویت می‌شود و برعکس، هرچه از هم احساس دوری بیشتری داشته باشند، روابطشان مبتنی بر خودمحموری بیشتر خواهد بود (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۳۳۳).

۳-۲. **کارکردگرایی و نوکارکردگرایی:** کارکردگرایی با نام «دیوید میترانی» در پیوند است. به نظر میترانی، سرمنشاء تعارضات میان دولت‌ها، وجود شکاف‌های سیاسی است و نمی‌توان این شکاف‌ها را با توافق حقوقی حل کرد؛ بلکه حل آنها به اقتضای پیچیدگی نظام‌های حکومتی و استلزامات سطح بین‌المللی، نیازمند همکاری فن‌شناسان، و نه نخبگان سیاسی است. نظریه میترانی متضمن نوعی اصل «انشعاب» است که طبق آن، توسعه همکاری در یک حوزه فنی به‌ظهور رفتاری مشابه در سایر حوزه‌های فنی منجر می‌شود. همکاری کارکردی در یک بخش، باعث می‌شود که ضرورت همکاری کارکردی در بخشی دیگر احساس شود (دوئرتی و دیگران، ۱۳۸۴: ۶۶۶-۶۶۷ و مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۶۱).

برخی از مفروضه‌های کارکردگرایی، بنیاد تقریر نظریه جدیدی شد که با عنوان «نوکارکردگرایی» از آن یاد می‌شود و بیشتر در پیوند با نام ارنست هاس است (مشیرزاده،

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری یا تعمیق همکاری اقتصادی / ۱۵۷

۱۳۹۰: ۶۱). بحث محوری نوکارکردگرایی این است که هنگامی که همکاری آغاز شد، همکاری بخشی رفته‌رفته به سایر حوزه‌های عمومی که سطح بالای وابستگی متقابل وجود داشته باشد و یا به صورت بالقوه از این موقعیت برخوردار باشند، تسری می‌یابد. بعید است که بتوان در مقابل گسترش و پخش همکاری مقاومت کرد. فرایند گسترش و پخش امکان دارد به صورت نیمه خودکار و یا غیرخودکار باشد (قوام، ۱۳۸۹: ۵۰).

جوزف نای به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان برجسته نوکارکردگرایی، هفت سازوکار فرایندی در نظریه‌های کارکردگرا و نوکارکردگرا چون: تسری افقی - عمودی، افزایش مبادلات، ائتلاف و پیوندهای ارادی، جامعه‌پذیری نخبگان، تشکیل گروه‌بندی‌های منطقه‌ای، جذبه‌های هویت‌ساز و ایدئولوژیک و بازشدن حلقه نخبگان به‌منظور جذب بازیگران جدید را بازسازی کرده و سپس براساس جرح و تعدیل این سازوکارهای فرایندی، نظریه امکان همکاری خود را بیان می‌کند. وی در بحث تسری افقی - عمودی بیان داشت که احتمال دارد نافرجامی‌ها، آشفتگی‌های ناشی از همبستگی کارکردی بازیگران را به بازنگری در وظایف مشترک خود وادار سازد. وی بیان می‌کند که در این بازنگری «تجربه ممکن است منفی باشد». اگر تجربه منفی باشد، احتمال دارد به جای تسری [مثبت] عمودی و افقی به جلو، حرکت معکوس تسری آغاز گردد (سیف‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۱۴-۳۱۶).

۳-۳. **نظریه وابستگی متقابل:** این نظریه در طرز فکر بین‌الملل‌گرایانه یا انترناسیونالیستی ریشه دارد که بر مبنای آن امور دنیا به‌طور عینی در جهت جهانی شدن است. این جریان در روند سیاسی به شکل همکاری میان دولت‌ها منعکس می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۴۷-۴۸). این نظریه ضمن تأکید بر تجارت آزاد و برداشتن موانع تجارت به‌عنوان ابزاری برای ایجاد منفعت مشترک و به‌دنبال آن، کاهش منازعه میان دولت‌ها و کاهش نقش قدرت نظامی، بر توسعه چندجانبه‌گرایی، تجارت و همکاری اقتصادی بین دولت‌ها (برچیل و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۹-۱۰۳)، حساسیت تعاملات اقتصادی میان دولت‌ها نسبت به تحولات اقتصاد ملی (مشیرزاده،

۱۳۹۰: ۶۶-۶۹) و پیوند مستقیم و مثبت منافع دولت‌ها - در بحث مبادلات تجاری- تولیدی (حجم، جریان و تأثیرات آن بر اقتصاد ملی)، مبادلات نیروی کار و انتقال سرمایه، سرمایه‌گذاری‌های خارجی و سیاست‌های تعرفه گمرکی (هماهنگی یا عدم هماهنگی) (سیف زاده، ۱۳۸۹: ۳۳۱) تأکید دارد.

۴. مدل همگرایی اقتصادی

در چارچوب شبکه معنایی و نظری پژوهش، الگوی مفهومی شکل خواهد گرفت که به‌طور کلی، به لحاظ نظری سیر یک پروژه همگرایی در جهت منطقه‌گرایی اقتصادی را به شکلی ساده نشان می‌دهد و ضمن تأکید بر همکاری به‌عنوان فرایندی بی‌انتهای، همگرایی را به‌عنوان یک فرایند و وضعیت در نظر می‌گیرد.

۴-۱. **فرایند اولیه همگرایی:** در این فرایند، همکاری‌ها به‌شکلی باثبات و پایدار در چارچوبی نهادی، زمینه را برای تقویت همگرایی فراهم می‌کند. در این مرحله، با توجه به اهداف تعریف شده بازیگران، نهادسازی بسترمند معیار و ملاک قرار خواهد گرفت. این نوع نهادسازی به شکلی بسترمند بوده و همکاری بین اعضا را افزایش می‌دهد. قرار گرفتن تدریجی این قاعده در فضایی دیالکتیک با فرایندی بی‌پایان از کنش‌ها، به تدریج ضمن بالا بردن انسجام نهادی، زمینه را برای تعمیق همکاری‌ها فراهم می‌کند.

در این فرایند، معمولاً اقداماتی همچون: ایجاد کمیته‌ای تخصصی، کارگزاری‌های منطقه‌ای، امضای موافقت‌نامه‌های ویژه چندجانبه، و فعالیت‌های اقتصادی- تجاری و فنی و غیره از سوی واحدها صورت می‌پذیرد که این خود با افزایش تعاملات و همکاری‌های فراملی، زمینه را برای تعمیق همکاری‌ها در جهت همگرایی فراهم می‌نماید. در این مرحله، همگرایی ماهیت بخشی داشته و ممکن است با مزایا و امتیازاتی برای واحدها همراه باشد؛ اما درواقع، انگیزه بازیگران برای تداوم همکاری‌ها بر پایه اصل سود و زیان ناشی از

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری یا تعمیق همگرایی اقتصادی / ۱۵۹

همگرایی بخشی تغییر پیدا می‌کند. اگر بازیگران تشخیص دهند که همگرایی در یک بخش با مزایا و امتیازاتی برابر برای همه اعضا همراه بوده است، انگیزه برای تداوم همکاری‌ها به تدریج در سایر بخش‌ها افزایش می‌یابد. به موازات افزایش پلکانی حوزه‌های همکاری بین واحدها، مدیریت همکاری‌ها در چارچوبی پیچیده از انواع روابط ضرورت پیدا می‌کند.

۴-۲. فرایند تکمیلی همگرایی: نهادسازی بسترمند، افزایش سطح انسجام نهادی، گسترش همکاری‌ها و کوشش برای مقابله با چالش‌های پیش‌رو به تدریج ضرورت مدیریت همکاری‌ها به شکلی سازمان یافته و گسترده را برای پیشرفت در سطوح بالاتر و تعمیق تدریجی همگرایی اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. مدیریت همکاری‌ها در چارچوب پیچیده‌ای از انواع روابط، زمینه را برای تعمیق همگرایی فراهم می‌کند که سنجش میزان پیشرفت آنها با توجه به مقیاس و سنجه، ضمن آشکارسازی چالش‌ها، محظورات و مقدورات پروژه برای نیل به سوی ادغام منطقه‌ای را مشخص می‌نماید.

مدیریت گسترده همکاری‌ها، ضمن تقویت همگرایی (بخشی)، فرایند همگرایی را به سمت فرایند تکمیلی سوق می‌دهد. به عبارت دقیق‌تر، در این مرحله گرایش بازیگران و واحدها برای نقش‌آفرینی در سطح فراملی تقویت شده، با ایجاد پیچیدگی و درهم تنیدگی تدریجی به شکلی خودکار و نیمه خودکار، مرحله جدیدی از همگرایی را به وجود می‌آورد که طی آن حوزه‌های همکاری بین واحدها افزایش (فرایند پنخس همگرایی) و با تعمیق همگرایی، هرچه بیشتر آنها را به سوی وابستگی متقابل سوق می‌دهد. با دقت در این فرض، مشخص می‌گردد که همگرایی بخشی که در فرایند اولیه شکل گرفته، به تدریج با سرایت به سایر بخش‌ها در فرایند تکمیلی، زمینه را برای ادغام منطقه‌ای فراهم می‌کند.

در فرایند تکمیلی، فعالیت‌ها در چارچوب فرایندهایی چون: اتحادیه گمرکی، بازار مشترک، همگرایی در حوزه‌های زیربنایی و اتحادیه پولی، شکلی پیچیده به خود گرفته، کیفیت روابط اقتصادی بین اعضا، امکان سنجش میزان پیشرفت و تعمیق همگرایی در

جهت نیل به اداغام منطقه‌ای را فراهم می‌کند. این مهم با تعیین مقیاس (هدف و میزان پیشرفت) و دادن امتیازاتی به این مقیاس‌ها در محیط ادراکی عملیاتی مشخص می‌گردد (نک: شکل‌های ۲، ۵ و ۶).

۵. علل و فرایند شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس (بستر/کنش)

۵-۱. علل شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس (بستر)

الف) بسترهای فیزیکی (جغرافیا و ساختار ژئوپلیتیک): شورای همکاری خلیج فارس، از جمله سازمان‌های منطقه‌ای است که تحت تأثیر عوامل جغرافیایی و ساختار ژئوپلیتیک مشابه شکل گرفته است. این کشورها اساساً از نظر جغرافیایی متمایل به گروه ژئوپلیتیک خلیج فارس هستند. آنها به‌لحاظ محیط فیزیکی، دارای محیطی یکپارچه با ویژگی‌های جغرافیایی و استراتژیک مشابه هستند.

ب) بسترهای غیرفیزیکی: از یک سو، شورای همکاری خلیج فارس از حیث اجتماعی- فرهنگی وجه اشتراک داشته؛ بدین معنا که بخشی از جهان عرب با فرهنگ، دین، مذهب و پیشینه تاریخی مشترک هستند (۹۸-۹۹: ۲۰۱۰، Naithani)، و این خود در شکل‌گیری «هویتی مشترک» بین آنها نقش بسیار بارزی داشته است (۱۵۷: ۲۰۱۱، Dehboneh) و از سوی دیگر، اعضای این سازمان از بعد اقتصادی و سیاسی (ساختاری- هنجاری) دارای تشابهاتی هستند که این وجوه تشابه به‌عنوان محرکی بین اعضا برای نیل به سوی اهداف مشترک عمل می‌کند (۳۱: ۲۰۱۰، Serhal).

پ) بسترهای امنیتی: شورای همکاری خلیج فارس؛ از جمله سازمان‌های منطقه‌ای است که بر پایه درک مشترکی از امنیت در گره ژئوپلیتیک خلیج فارس شکل گرفته است. این سازمان زیرمنطقه‌ای با وابستگی متقابل امنیتی میان دولت‌های عضو شکل گرفته است (۵۳: ۲۰۱۱، Sevil) و دارای منافع امنیتی مشترک است (۴: ۲۰۱۰، Kufuor). در ایجاد درک امنیتی مشترک بین اعضا در زمان و بعد شکل‌گیری عواملی دخالت داشته که مهم‌ترین آنها

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری یا تعمیق همگرایی اقتصادی / ۱۶۱

عبارتند از: ۱- خروج بریتانیا در اوایل دهه ۱۹۷۰ و چالش‌های امنیتی ناشی از آن، چون: ملت‌سازی و ترس از برهم خوردن توازن قوای منطقه (۶۷-۶۹: ۲۰۱۰: Abdulla) ۲- تحولات سیاسی و اقتصادی دهه ۱۹۸۰ چون: وقوع انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق، حمله شوروی به افغانستان، افزایش وابستگی به نفت، رقابت ابرقدرت‌ها (۳۱: ۲۰۱۰: Serhal)، روی کارآمدن دولت مارکسیستی-لنینیستی در اتیوپی (۱۱: ۲۰۰۷: Alasfoor).

بنابراین، باید تصریح کرد که این عوامل در پیوستار با هم در فضایی دیالکتیک و اندرکنشی، محرک دولت‌های عربی خلیج فارس برای ایجاد شورای همکاری خلیج فارس شد.

۲-۵. فرایند شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس (کنش): تحت تأثیر ملاحظات ذکر شده، تحرکات برای شکل‌گیری شورا به تدریج بالا گرفت. تحرکات اولیه برای ایجاد چارچوب همکاری برای دولت‌های عرب خلیج فارس (اعضای کنونی شورای همکاری خلیج فارس) به دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد که ناکام ماند. با آگاهی از خروج با برنامه بریتانیا از خلیج فارس، فعالیت‌های سراسیمه‌ای در خصوص امکان ایجاد یک سازمان منطقه‌ای در خلیج فارس وجود داشت. در این راستا، در سال ۱۹۷۶ وزرای خارجه عربی حوزه خلیج فارس؛ به علاوه ایران و عراق به دعوت عمان در مسقط، در راستای سیاست امنیتی و دفاعی مشترک ملاقات کردند که عملاً نتیجه‌ای به دنبال نداشت.

اما ایده اصلی شکل‌گیری یک سازمان منطقه‌ای [به نام شورای همکاری خلیج فارس] به هفدهمین کنفرانس اعراب از ۲۵ ژانویه تا ۲۷ نوامبر ۱۹۸۰ در امان پایتخت اردن با حضور دولت‌های عرب خلیج فارس برمی‌گردد (۲۸: ۲۰۰۱: Popescu). در این اجلاس، شیخ جابر آل احمد با دیگر دولت‌های عرب خلیج فارس ملاقات کرد و تفکر ایجاد سازمانی بین کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را ارائه داد (۳۰: ۲۰۰۷: Alasfoor). سپس با اجلاس وزرای خارجی شش کشور عرب خلیج فارس، در ۴ فوریه ۱۹۸۱ در

ریاض، کویت بر ایجاد شورای همکاری دولتهای عرب خلیج فارس که بتواند چارچوبی را برای همکاری، هماهنگی و همگرایی در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امور مالی فراهم کند، تأکید کرد. بنابراین، در این اجلاس، ایجاد یک سازمان بین‌المللی منطقه‌ای میان آنها با توافق اعضا رسمیت یافت. در ملاقات دیگر در مسقط از ۹ تا ۱۰ مارس ۱۹۸۱ و در نهایت ۲۴ می ۱۹۸۱ در ابوظبی (Alasfoor, ۲۰۰۷, ۳۱)، با انتخاب دبیرکل ساختار نهادی شورا را مشخص کردند (Lawson, ۲۰۱۲:۶). در نهایت، همه کنش‌های نخبگان سیاسی دول عربی حوزه خلیج فارس، در یک حلقه ارتباطی مبتنی بر وفاق، در راستای مقابله با چالش‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی، اجتماعی- فرهنگی، به شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس، متشکل از شش عضو (عربستان، قطر، بحرین، کویت، عمان و امارات متحده عربی) در ۲۵ می سال ۱۹۸۱ منجر شد.

۶. شورای همکاری خلیج فارس: ظهور همکاری‌های فراملی در پرتو تعاملات کنشگران

ملی

۶-۱. سند، اهداف و ساختار نهادی: بلافاصله پس از شکل‌گیری شورا، اعضا در جهت تدوین سند سازمانی شورای همکاری خلیج فارس؛ یعنی منشور وارد عمل شدند و در نهایت، این سند متشکل از یک مقدمه و ۲۲ ماده آماده شد و به‌طور رسمی در ۲۵ می ۱۹۸۱ رسماً به تصویب اعضا رسید. در چارچوب منشور سازمان، ماده ۴ به اهداف شورای همکاری خلیج فارس اشاره داشته که طی آن اعضا نیز اهداف سازمان را هماهنگی، همکاری، همگرایی و روابط داخلی عملی بین اعضا در تمام زمینه‌ها، تعمیق و تقویت روابط، پیوندها و توسعه همکاری‌های عمومی میان مردم در حوزه‌های مختلف، تنظیم قوانین و مقررات مشابه و یکسان در زمینه‌های گوناگون و غیره بیان می‌دارند (۲۹-۲۸ : Popescu, ۲۰۰۱). در این ماده، به امنیت در میان اهداف اساسی همکاری میان اعضای شورا همکاری

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری یا تعمیق همگرایی اقتصادی / ۱۶۳

خلیج فارس، اشاره‌ای نشده است (Alasfoor, ۲۰۰۷: ۴۳). این امر به‌طور کلی می‌تواند بیانگر این واقعیت باشد که پس از شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس، جهت‌گیری‌های اعضا تغییر کرده و همکاری‌ها بین آنها بیشتر در جهت همگرایی اقتصادی مدیریت شده است (Lawson, ۲۰۱۲: ۴).

ماده ۵ منشور نیز به ساختار سازمانی - نهادی شورای همکاری خلیج فارس توجه دارد. بر این اساس، اصلی‌ترین ارکان آن عبارت است از: شورای عالی، شورای وزیران، دبیرخانه و کارگزاری‌های ویژه منطقه‌ای (World Bank, ۲۰۱۰: ۴۳). در این چارچوب، شورای عالی، عالی‌ترین رکن و بخش اصلی تصمیم‌گیری است. این شورا شامل رؤسای دولت‌های عضو بوده که دوبار در سال (Sturm et al, ۲۰۰۵: ۲ & ۲۴) برای تعیین جهت سیاست‌ها و انتخاب دبیرکل، اجلاس برگزار می‌کنند (World Bank, ۲۰۱۰: ۴۳). شورای وزیران متشکل از وزیران امور خارجه و دیگر وزرایی است که از سوی دولت‌های عضو منصوب شده‌اند. این شورا ضمن ارائه توصیه و پیشنهاد در همه زمینه‌ها، با اتفاق آراء برای موضوع‌های مهم و اکثریت آراء برای موضوع‌های پروسه‌ای رأی‌گیری می‌کند. تعدادی کمیته در سطح وزیران وجود دارد که مهم‌ترین آنها، کمیته همگرایی اقتصادی؛ یعنی کمیته همکاری اقتصادی و مالی متشکل از وزرای مالی و اقتصادی دولت‌های عضو است (Sturm et al, ۲۰۰۵: ۲۴). دبیرخانه نیز بخش اجرایی و اداری شورای همکاری خلیج فارس است که دبیرکل آن (World Bank, ۲۰۱۰: ۵) به پیشنهاد شورای وزیران توسط شورای عالی برای دوره سه ساله تجدیدشدنی منصوب می‌شود (Alasfoor, ۲۰۰۷: ۴۱) و به‌طور مستقل، در راستای منافع مشترک دولت‌های عضو فعالیت می‌کند. (Sturm et al, ۲۰۰۵: ۲۵) Popescu, ۲۰۰۱: ۲۹. شورای همکاری خلیج فارس علاوه بر این، دارای کارگزاری‌های ویژه‌ای بوده که متصدی طراحی و اجرای استانداردهای فنی، میانجیگری تجاری - بازرگانی و ثبت امتیازنامه‌ها هستند (World Bank, ۲۰۱۰: ۶).

بنابراین، می‌توان گفت پویایی سیستم اقتصاد جهانی، ضرورت کاهش آسیب‌پذیری‌های موجود برای نیل به مطلوبیت مورد انتظار در اقتصاد ملی و جهانی، به صورت مستقیم و غیرمستقیم اولویت‌بندی‌ها (فردگرایانه) اعضا در مدار شورای همکاری خلیج فارس را تغییر داده؛ به طوری که در دیالکتیک اندرکنش سیاست، امنیت، اقتصاد و فرهنگ - اجتماع در مدار شورای همکاری خلیج فارس اقتصاد متغیر تعیین‌کننده و جریان غالب، مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مقوم مدار و جریان غالب بر آن بوده و امنیت نیز جریانی مجزا و دائمی مبدل شده که در سطوح مختلف (داخلی و بین‌المللی) از جریان غالب تأثیر پذیرفته، بر آن نیز تأثیر می‌گذارد. در نتیجه، باید اذعان کرد شورای همکاری خلیج فارس پس از شکل‌گیری با اصلاح و بازنگری در استراتژی‌ها و جهت‌گیری‌ها، در جهت مدیریت همکاری‌ها برای نیل به همگرایی اقتصادی، نهادسازی کرده است.

۷. فرایند همگرایی اقتصادی در پرتو تعاملات فراملی کنشگران

از مدیریت همکاری تا تعمیق همگرایی اقتصادی: در این مجال، در راستای پی‌بردن به این مهم که چگونه شورای همکاری خلیج فارس، همکاری‌های درون سازمانی را در چارچوب نهادی در جهت تعمیق همکاری‌ها و نیل به همگرایی مدیریت کرده، فرایند و وضعیت همگرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس را در چارچوب الگوی تحلیل پژوهش در دو مرحله مقدماتی و تکمیلی بررسی خواهیم کرد.

۷-۱. فرایند مقدماتی - اولیه همگرایی اقتصادی: نهادسازی بستر مند و مدیریت همکاری‌ها

۷-۱-۱. وضعیت همگرایی در چارچوب موافقت‌نامه یکپارچگی اقتصادی: موافقت‌نامه یکپارچگی اقتصادی بین دولت‌های عضو، دو هفته پس از امضای منشور شورای همکاری خلیج فارس [تکمیل فرایند همگرایی نهادی] (۳۴: ۱۹۹۰، Makhawi)، در دومین نشست خود در تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۹۸۱ در ریاض امضا شد. این موافقت‌نامه، برنامه‌ای را برای فعالیت مشترک

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری یا تعمیق همگرایی اقتصادی / ۱۶۵

اقتصادی و مراحل همکاری و همگرایی اقتصادی مشخص کرد و در واقع، هسته برنامه‌ها (OIC: ۱۱۰) و ستون فقرات شورای همکاری خلیج فارس در راستای پیگیری سیاست همگرایی اقتصادی بود (Alasfoor, ۲۰۰۷: ۵۶).

موافقت‌نامه مزبور، در چهارچوب اصول و مواد مشخصه، به‌منزله شروع فرایند همگرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس، با هدف یکپارچه‌سازی نظام تعرفه‌ها، از بین بردن تبعیض بین دولت‌های عضو در خصوص مقررات حاکم بر جریان سرمایه و کار در سراسر مرزهای مشترک، هماهنگ سازی سیاست‌ها در خصوص همه بخش‌های صنعت نفت، هماهنگ سازی و همگون سازی برنامه‌های توسعه صنعت، یکپارچگی سرمایه‌گذاری با هدف دستیابی به یک سیاست سرمایه‌گذاری مشترک (Lawson, ۲۰۱۲: ۶)، وحدت و همگرایی قوانین، مقررات و راهبردها در زمینه‌های اقتصادی، مالی و تجاری، پیوندهای زیرساختی بین دولت‌های عضو؛ به‌ویژه در حوزه ارتباطات، برق و گاز، دستیابی به همگرایی اقتصادی میان دولت‌های عضو با گام‌های تدریجی ابتدا با منطقه تجارت آزاد، اتحادیه گمرکی، بازار مشترک، و پایان آن با اتحادیه پولی و اقتصادی و ایجاد نهادهای مشترک شکل گرفت (OIC: ۱۱۰)، و تا سال ۲۰۰۱؛ یعنی زمان انعقاد موافقت‌نامه اقتصادی ۲۰۰۱ پایدار ماند.

۷-۱-۲. منطقه تجارت آزاد و موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد شورای همکاری خلیج فارس

پس از امضای موافقت‌نامه یکپارچگی اقتصادی ۱۹۸۱ به‌عنوان ستون فقرات و هسته فرایند همگرایی اقتصادی، نخستین گام عملی مهم با هدف حرکت به سوی همگرایی اقتصادی و مالی با ایجاد «منطقه تجارت آزاد» برداشته شد (Serhal, ۲۰۱۰: ۳۱). منطقه تجارت آزاد در شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۳ به‌عنوان نخستین مرحله از فرایند همگرایی با این رویکرد که تعرفه‌های کالا بین دولت‌های عضو کاملاً حذف شود، شکل گرفت. در این فرایند، اول اینکه قوانین مبدأ دولت‌های عضو را موظف می‌کرد که تولید کالاهایی را در نظر

بگیرند که با معافیت گمرکی صادر می‌شود. دوم، مقرر شد کالاهایی از امتیاز معافیت گمرکی بهره‌مند خواهند شد که گواهی مبدا معتبر با تأیید رسمی کارگزاران دولتی ارائه دهند. سوم، تصریح شد که تولیدات مبدأ باید تولیدات ملی باشد و در آن ارزش افزوده^۱ تولیدات (البته، نباید کمتر از ۴۰ درصد ارزش نهایی تولید در آخرین مرحله از تولید باشد) و همچنین، سهم شهروندان دولت‌های عضو از مالکیت تولید نیز (درواقع، نباید کمتر از ۵۱ درصد باشد) در نظر گرفته شود (Rettab, ۲۰۰۷: ۱۸-۱۹)^۲.

از بعد فرامنطقه‌ای و بین‌المللی نیز، شورای همکاری خلیج فارس به دنبال ایجاد منطقه تجارت آزاد فرامنطقه‌ای و امضای موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد به صورت دوجانبه و چندجانبه با مناطق مختلف است. مذاکرات برای ایجاد منطقه تجارت آزاد بین شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا و آسیا، از مهم‌ترین مذاکرات چندجانبه تجاری شورا محسوب می‌شود (Song, ۲۰۰۸: ۶۸; See: Sturm et al, ۲۰۱۰: ۹۵-۹۶).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. Certificate of origin
۲. Value added

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری یا تعمیق همگرایی اقتصادی / ۱۶۷

وضعیت موافقت‌نامه‌های تجاری شورای همکاری خلیج فارس				
کشور	عضویت سازمان تجارت جهانی	ایالات متحده آمریکا	مذاکرات دو جانبه با دیگر کشورها	مذاکرات چند جانبه تجاری در مقیاس جامع
عربستان	۲۰۰۵	موافقت‌نامه چهارچوب تجاری سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۰۳ امضا شد	-	اتحادیه اروپا: امضای موافقت‌نامه همکاری اقتصادی در سال ۱۹۸۸: شروع مذاکرات رسمی برای ایجاد منطقه تجاری آزاد از سال ۱۹۹۰ که تا به امروز ادامه دارد
قطر	۱۹۹۶	موافقت‌نامه چهارچوب تجاری سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۰۴ امضا شد و مذاکرات برای موافقت‌نامه تجارت آزاد ادامه دارد	مذاکرات چند جانبه تجاری با سنگاپور	آ سه آن - فرایند امکان‌سنجی تکمیل شده و پیشرفت دسته جمعی برای ایجاد منطقه تجارت آزاد ادامه دارد
عمان	۲۰۰۰	موافقت‌نامه تجارت آزاد در سال ۲۰۰۶ امضا شد	-	همه اعضای شورای همکاری خلیج فارس عضو منطقه تجارت آزاد کافتا هستند
بحرین	۱۹۹۵	موافقت‌نامه تجارت آزاد در سال ۲۰۰۴ امضا و در سال ۲۰۰۶ اجرایی شد	مذاکرات چند جانبه تجاری با سنگاپور	همه اعضا در حال مذاکرات تجاری با مرکوسور هستند
کویت	۱۹۹۶	موافقت‌نامه چهارچوب تجاری سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۰۴ امضا شد	مذاکرات چند جانبه تجاری با سنگاپور	مذاکرات چند جانبه شورای همکاری خلیج فارس به چین استرالیا، ژاپن، ترکیه، نیوزلند و هند در حال اجراست
امارات	۱۹۹۶	موافقت‌نامه چهارچوب تجاری سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۰۴ امضا شد و مذاکرات برای موافقت‌نامه تجارت آزاد ادامه دارد	مذاکرات دو جانبه تجاری با سنگاپور	

(Source: World Band. ۰۰۱۰)

۲-۷. فرایند تکمیلی همگرایی اقتصادی: از مدیریت همکاری‌ها تا تعمیق همگرایی

۲-۱. موافقت‌نامه اقتصادی ۲۰۰۱: در چارچوب موافقت‌نامه یکپارچگی اقتصادی، پیشرفت زیادی در فرایند همگرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس حاصل نشد و تنها منطقه تجارت آزاد در سال ۱۹۸۳ شکل گرفت و اجرایی شد؛ اما در اواخر دهه ۱۹۹۰ شورای همکاری خلیج فارس وارد مرحله جدیدی از فرایند همگرایی اقتصادی شد. در واقع، امضای موافقت‌نامه اقتصادی در سال ۲۰۰۱ در مسقط به‌عنوان جایگزینی برای موافقت‌نامه یکپارچگی اقتصادی، فرایند همگرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس را سرعت بخشید. این سند اقتصادی، اهداف بلندپروازانه‌ای را برای مراحل بعدی همگرایی اقتصادی مطرح کرد (Sturm et al, ۲۰۰۵: ۲۶) که اهم آنها عبارتند از: برقراری روابط اقتصادی بین‌المللی میان دولت‌های عضو و دیگر کشورها و گروه‌بندی‌های اقتصادی، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، ایجاد اتحادیه گمرکی، همکاری فنی، ایجاد بازار مشترک، بهبود سرمایه‌گذاری بین دولت‌های عضو و غیره (OIC: ۱۱۰).

در این راستا، در سال ۲۰۰۱ شورای عالی اقدام به تدوین یک برنامه زمانی برای پیگیری و سرعت بخشیدن به فرایند همگرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس کرد که در آن بر اجرای اتحادیه گمرکی در سال ۲۰۰۳، تدوین رهنمودهای اجرایی مانند ضوابط و معیارهای همگرایی برای اتحادیه پولی، تکمیل بازار مشترک در سال ۲۰۰۷، و درنهایت، پذیرش یک پول واحد در سال ۲۰۱۰ تأکید شد (Sturm, ۲۰۰۵: ۲۷).

۲-۲. اتحادیه گمرکی: پس از نخستین گام برای همگرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس؛ یعنی ایجاد منطقه تجارت آزاد، دومین گام مهم عملی در چارچوب اهداف و برنامه‌های «موافقت‌نامه اقتصادی ۲۰۰۱»، با کوشش برای ایجاد اتحادیه گمرکی در شورای همکاری خلیج فارس در ۲۰۰۳ آغاز شد. اتحادیه گمرکی، پیشرفته‌ترین مرحله همگرایی اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس بوده که می‌کوشد با حذف تعرفه‌های داخلی و ایجاد محدودیت در تجارت خارجی مشترک، تعرفه‌های خارجی و سیستم‌های تجارت ملی و

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری یا تعمیق همگرایی اقتصادی / ۱۶۹

داخلی را هماهنگ سازد. این امر، بیانگر سطح تقویت هماهنگی نهادی در جهت همگرایی است. این اتحادیه بر پایه اصولی چون: تعرفه خارجی مشترک با نرخ گمرکی ۵ درصد بر همه کالاهای وارداتی خارجی، یکسان‌سازی گمرکات داخلی، تحرک آزاد کالا بدون محدودیت‌های گمرکی و غیرگمرکی مبتنی است و در این راستا، به دنبال دستیابی به اهدافی از قبیل کمینه ساختن دشواری‌ها، موانع و محدودیت‌ها برای تحرک کالاهای ملی و خارجی، افزایش تجارت درون منطقه‌ای، بهینه‌ساختن بهره‌برداری از منابع موجود با تسهیل تجارت درون منطقه‌ای و غیره است.

در این راستا، تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که شورای همکاری خلیج فارس: ۱- در مورد حذف تعرفه‌ها در سامانه اقتصادی خود نسبتاً ضعیف عمل کرده که این امر عمدتاً ناشی از ناهمگونی اعضای شورای همکاری خلیج فارس در حذف تعرفه‌ها به‌طور یکسان است؛ اما این به‌منزله پیشرفت نکردن نیست؛ بلکه نشان‌دهنده این واقعیت است که پیشرفت‌ها نسبی و تدریجی است. ۲- نسبت به یکسان‌سازی و هماهنگ‌سازی رویه‌های گمرکی ضعیف عمل کرده، و هم اکنون، پیشرفت‌های کمی در این راستا در شورای همکاری خلیج فارس می‌توان مشاهده کرد که پیش‌بینی می‌شود با برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، اختلافات در رویه‌های گمرکی کاهش یابد و موضوع‌ها و مسائل مربوط به رویه‌ها و قوانین گمرکی حل و فصل گردد. ۳- در تحرک آزاد، تجارت و دادوستد برای اتباع پیشرفت خوبی داشته و انتظار می‌رود در این شرایط، تقویت و به نقطه نهایی نزدیک شود. ۴- تحرک آزاد افراد و کار، ایجاد رژیم تحرک آزاد را تسهیل کرده و با وجود محدودیت‌ها و موانع، پیشرفت خوبی در راستای پیگیری این هدف مهم داشته است و تمایلات نیز پیشرفت بیشتر در این حوزه در آینده نزدیک را نوید می‌دهد (Babar, ۲۰۱۱: ۱-۴۰).



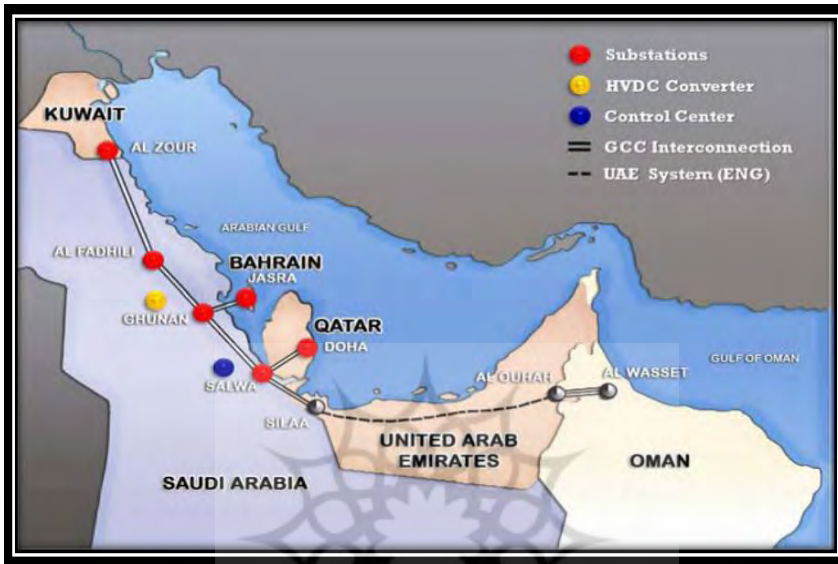
شکل ۴: وضعیت اتحادیه گمرکی در شورای همکاری خلیج فارس تا سال ۲۰۱۱ Source: Shediac et al, 2011:5-11

۷-۲-۳. همگرایی زیرساختی: ایجاد زیرساخت های مشترک یکی از حوزه های همگرایی در شورای همکاری خلیج فارس است که پیشرفت زیادی به همراه پروژه های چندملیتی بزرگ در شماری از بخش ها ایجاد کرده است (۱۷-۱۸: ۲۰۱۱، Shediac et al). همگرایی زیرساختی در شورای همکاری خلیج فارس حوزه هایی چون: برق منطقه ای، فناوری

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری یا تعمیق همگرایی اقتصادی / ۱۷۱

اطلاعات- ارتباطات، حمل و نقل (هوایی، دریایی، زمینی و ریلی) و انرژی نفت و گاز را در برمی گیرد.

در مورد صنعت برق منطقه ای باید گفت که با افزایش قیمت جهانی نفت و تولیدات نفت و گاز، ثروت اعضای شورای همکاری خلیج فارس نیز افزایش یافت و افزایش ثروت با افزایش رشد جمعیت و افزایش نیاز به تقاضای برق همراه بود. در راستای افزایش تقاضای برق و در واکنش به این چالش، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تصمیم به آزاد ساختن بازارهای برق خود کردند (ECA, ۲۰۱۰: ۴). در این راستا، پروژه ای را با عنوان «پروژه اتصال برق شورای همکاری خلیج فارس» برای توسعه و برنامه ریزی در زمینه همگرایی منطقه ای در شبکه برق آغاز کردند (Sparrow et al, ۲۰۰۲: ۴). پروژه یادشده، ابتدا در سال ۱۹۸۱ با امضای موافقت نامه اتصال شبکه برق داخلی شورای همکاری خلیج فارس به طور رسمی آغاز به کار کرد. پس از مطالعات امکان سنجی اولیه و ثانویه در سال ۱۹۸۶ و ۱۹۹۲، در سال ۲۰۰۱ به طور جدی (ECA, ۲۰۱۰: ۱۴) با هدف اتصال شبکه برق در دولت های عضو، کاهش تولید ذخایر بدون از بین بردن قابلیت اطمینان ذخایر و غیره (Sparrow et al, ۲۰۰۲: ۴) در سه مرحله یا فاز پیگیری شد. در نتیجه این فعالیت ها، فاز اول از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ تکمیل شد، و فرایند اجرا و تکمیل فاز دوم و سوم اتصال برق هم اکنون ادامه دارد (Kotiuga: ۳-۴).



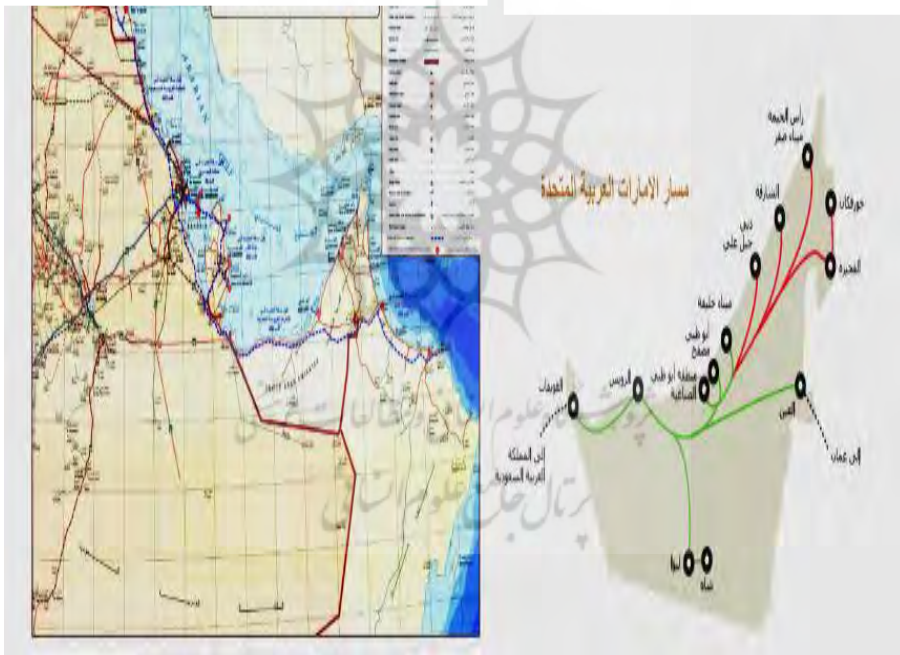
این پروژه بزرگ فنی در شورای همکاری خلیج فارس، کمک زیادی به گسترش روابط سیاسی و اقتصادی میان دولت‌های عضو در حوزه‌های دیگر کرد و همکاری‌ها در بخش‌های دیگر چون: حمل و نقل و ارتباطات را نیز افزایش داد. در بخش نفت و گاز، پروژه خط لوله گاز شورای همکاری خلیج فارس، گاز طبیعی را از قطر به امارات متحده عربی، بحرین و کویت صادر خواهد کرد. این خط لوله ۳۶۰ کیلومتر طول دارد و با هزینه ۱۰ میلیارد دلاری اجرایی می‌شود (۱۱-۴: ECA, ۲۰۱۰). همچنین، در حوزه حمل و نقل، اقدامات بحرین و قطر - برای راه اندازی جاده و خط راه آهن سریع السیر با هزینه‌ای بالغ بر ۴ میلیارد دلار، بحرین و عربستان سعودی - برای توسعه و گسترش جاده شاه فهد، عمان و امارات متحده عربی - برای ایجاد یک اتوبان بزرگ بین دو کشور، و کوشش همه اعضا

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری یا تعمیق همگرایی اقتصادی / ۱۷۳

برای احداث - ۲۱۱۷ کیلومتر شبکه خط راه آهن با هزینه‌ای بالغ بر ۲۵ میلیارد دلار شایان توجه است (نک: شکل ۴). به‌طورکلی، این اقدامات با اعلام میزبانی قطر برای جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۲۲ تشدید ۲۰-۲۰۱۱:۱۷ (Shediac et al, ۲۰۱۱) و در نتیجه، زمینه را برای تقویت بیشتر همگرایی فراهم نموده است.

منبع: محلق الخاص حول التكامل المالي و الاقتصادي خليجي
- صادر عن وزارة مالىة (ديسمبر، ۲۰۱۱)

شکل ۴: خط راه آهن سراسری شورای همکاری
خلیج فارس



متغیرهای یا زیر مجموعه های همگرایی زیر ساختی

A. پروژه‌های نفت و گاز

مشاهدات کلیدی	گرایش	مقیاس عددی
تکمیل خط لوله گاز دلفین یک دستاور بسیار عالی در پروژه نفت و گاز در شورای همکاری خلیج فارس است	↔	۳/۵

B پروژه خط آهن

مشاهدات کلیدی	گرایش	مقیاس عددی
۲۵ میلیارد دلار برای خط راه آهن در شورای همکاری خلیج فارس در نظر گرفته شده که قرار است تا سال ۲۰۱۷ تکمیل شود	↑	۳/۵

C. پروژه برق منطقه

مشاهدات کلیدی	گرایش	مقیاس عددی
پروژه اتصال از آغاز مورد توجه شورای همکاری خلیج فارس بود و فاز اول آن در سال ۲۰۰۹ به بهره برداری رسیده است	↑	۴

D. جاده و پل

مشاهدات کلیدی	گرایش	مقیاس عددی
در اتصال جاده ها در شورای همکاری خلیج فارس سرمایه گذاری با میزان قطر در جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۲۲ افزایش یافت	↑	۴

E. زیرساخت هوایی

مشاهدات کلیدی	گرایش	مقیاس عددی
در زمینه زیرساختهای چون فرودگاه هریک از کشورهای عضو اقدام کرده اند. بیشتر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس چتر عربستان موافقت آسمان باز را امضاء کرده اند. با این وجود این موافقتنامه در منطقه به طور کامل اجرا نشده است.	↔	۳

امتیاز کلی

مشاهدات کلیدی	گرایش	مقیاس عددی
پروژه‌های چندین میلیارد دلاری در بخش های نفت و گاز، جاده و راه آهن و برق آغاز شده است و به تدریج عملیاتی و به بهره برداری می‌رسند	↑	۳/۵

شکل ۵: وضعیت همگرایی زیرساختی در شورای همکاری خلیج فارس Source: Shediace et al, 2011: 6

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری یا تعمیق همگرایی اقتصادی / ۱۷۵

۲-۲-۴. **اتحادیه پولی شورای همکاری خلیج فارس:** اولین حرکت برای اتحادیه پولی در سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ به وسیله بحرین، کویت، امارات متحده عربی و قطر صورت گرفت که با شکست مواجه شد. پس از شکل‌گیری شورا با ایجاد کمیته کارگزاران پولی و رؤسای بانک مرکزی و کمیته همکاری مالی و اقتصادی در چارچوب موافقت‌نامه یکپارچگی اقتصادی، مقدمات لازم برای شکل‌گیری اتحادیه پولی فراهم گردید؛ اما عزم جدی اعضا برای پیگیری این سیاست را باید در اجلاس مسقط در دسامبر ۲۰۰۱ دانست (۲-۲۳ : ۲۰۱۱، Antoniadesi) که در آن اعضا به ایجاد وحدت پولی با یک بانک مرکزی برای هماهنگ‌سازی سیاست‌های مالی [پولی] رأی دادند و در نتیجه این شرایط، عرصه مهمی برای حرکت به سمت همگرایی سیاسی و اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس شکل گرفت (۸: ۲۰۱۱، Shediac et al).

در ادامه این فرایند، شورای عالی در دسامبر ۲۰۰۵ در دبی معیارها و ضوابطی را برای همگرایی و یکپارچی مالی و پولی در شورای همکاری خلیج فارس تصویب کرد که در واقع، همان معیار و ضوابط پیمان ماستریخت مطرح شد؛ یعنی اعضا شاخص‌هایی چون نرخ ارز، نرخ تورم و نرخ بهره را به‌عنوان معیار همگرایی پولی و شاخص‌هایی مانند نسبت کسری سالیانه مالی حکومت بر تولید ناخالص داخلی و نسبت قرضه عمومی (بدهی دولت) بر تولید ناخالص داخلی را به‌عنوان معیار همگرایی مالی در نظر گیرند (۲۰۰۹، Drastichova) (۶۰-۶۳):

فرایند همگرایی پولی و مالی

در بحث نرخ ارز به‌عنوان معیار همگرایی پولی باید گفت در دو دهه گذشته، نرخ ارز در شورای همکاری خلیج فارس سطح بالایی از ثبات را تجربه کرده است که عمدتاً نتیجه سیاست‌های ارزی یکسان هریک از اعضای شورای همکاری خلیج فارس در قبال دلار آمریکاست. سیاست‌های مشابه اعضای شورای همکاری خلیج فارس نسبت به یک ارز

خارجی، نه تنها نوسان‌های تغییر در ارزش پول را محدود کرده؛ بلکه نقش بسزایی در همگرایی نرخ بهره و تورم داشته؛ به طوری که آمارها نشان می‌دهد از یک سو تحت تأثیر این شاخص در ۱۰ سال اخیر، سطح تورم کمتر و اختلاف بین بالاترین نرخ تورم و پایین‌ترین آن به کمترین حد رسیده است & Statistics (www.MEED.org, ۲۰۱۳:۲۰۱۳) reports) و از سوی دیگر، سطح برابری در نرخ بهره را به وجود آورده است (Sturm et al, ۲۰۰۵:۳۰-۳۵). بنابراین، با در نظر گرفتن این شرایط و با توجه به کسری مالی (بودجه) کمتر از ۳ درصد از تولید ناخالص داخلی و بدهی‌های عمومی (بدهی دولت) کمتر از ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی بخش مالی شورای همکاری خلیج فارس، می‌توان گفت که این شورا از نظر پولی و مالی سطح نسبتاً بالایی از همگرایی را تجربه می‌کند (Shediace et al, ۲۰۱۱:۹).

اما گرچه همگرایی پولی و مالی از شروط لازم برای نیل به اتحادیه پولی به عنوان واقع‌گرایانه‌ترین فرایند همگرایی اقتصادی و وحدت سیاسی است؛ اما شرط کافی نیست و عوامل دیگری چون: نگرش‌ها و تعهدات سیاسی، مسائل فنی و نهادی، تنوع اقتصادی و غیره از بعد داخلی و شوک‌های نامتقارن هم از بعد داخلی و هم از بعد بین‌المللی در موفقیت یا نبود موفقیت در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأثیر زیادی دارد- (Al khater, ۲۰۱۲:۱, ۱۰).

در نهایت، وضعیت اتحادیه پولی در شورای همکاری خلیج فارس براساس الگوی پژوهش (نک: شکل ۶) بیانگر گام‌های اولیه و در حال پیشرفت اعضای شورای همکاری خلیج فارس برای همگرایی پولی و رسیدن به یک واحد پولی مشترک است.

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری یا تعمیق همگرایی اقتصادی / ۱۷۷

متغیرها

A، مذاکرات برای وحدت پولی.

مشاهدات کلیدی	گرایش	مقیاس عددی
دو کشور امارات متحده عربی و عمان از اجرای برنامه اتحادیه پولی امتناع می کنند و همچنان نوافتاده اتحادیه پولی با اعضای ۴ دولت همراه بوده است.	↔	۳

B، هماهنگ سازی سیاستهای پولی و مالی

مشاهدات کلیدی	گرایش	مقیاس عددی
پول های ملی ۴ دولت عضو به طور غیر رسمی به دلار آمریکا وابسته است و معیارهای همگرایی پولی همتراز شده اند. با این وجود شورای همکاری خلیج فارس سیاستهای واقعی تری را در طول فرایند همگرایی رسمی نکرده است.	↑	۳

C، ایجاد زیر ساختهای نهادی

مشاهدات کلیدی	گرایش	مقیاس عددی
با پیشرو بوده بانک های مرکزی، اتحادیه پولی ایجاد شده و اجلاس های آن مرتب برگزار شده است. اما همگرایی بخش مالی هنوز به طور کامل بوقرار نشده است.	↑	۲/۵

مقیاس کلی

مشاهدات کلیدی	گرایش	مقیاس عددی
اطلاعات هدف مربوط به ۲۰۱۰ بوده است؛ پیشرفت کم	↑	۲/۸

شکل ۶: وضعیت اتحادیه پولی در شورای همکاری خلیج فارس Source: Shediac et al, 2011: 8

نتیجه گیری

این مقاله، با رویکرد انتقادی بر این هدف اساسی استوار بوده که با تحلیل و تبیین فرایند مدیریت همکاریها در جهت همگرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس،

تحولات همگرایی اقتصادی آن شورا از ابتدا تا به امروز را در قالب مدل تبیینی-سیستماتیک با تکیه بر روش‌های مختلف تحلیلی ارزیابی کند و چشم‌اندازی از همگرایی اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس در هزاره سوم میلادی را ارائه دهد. در این راستا، یافته‌های پژوهش، حاکی از این است که اولویت‌های شورای همکاری خلیج فارس پس از شکل‌گیری تغییر پیدا کرده؛ به طوری که در دیالکتیک اندرکنش سیاست، امنیت، اقتصاد و فرهنگ - اجتماع در مدار شورای همکاری خلیج فارس اقتصاد متغیر تعیین‌کننده و جریان غالب، مسائل فرهنگی - اجتماعی، سیاسی مقوم مدار و جریان غالب بر آن بوده و امنیت نیز جریانی مجزا و دائمی مبدل شده که در سطوح مختلف (داخلی و بین‌المللی) به شکل مثبت از جریان غالب تأثیر پذیرفته (تأثیرگذاری مؤلفه‌های اقتصادی بر ایجاد صلح و امنیت) و به شکل منفی (مناقشات امنیتی و تأثیرات آن بر فرایند همگرایی) و مثبت (درک مشترک امنیتی اعضا و تأثیر آن در تقویت همگرایی) نیز بر آن جریان تأثیر می‌گذارد و بدین‌سان، در چهارچوب سامانه منطقه‌ای تحولات همگرایی و به تبع آن، منطقه‌گرایی اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس را تحت شعاع قرار می‌دهد.

تغییر اولویت‌ها با تعیین‌کنندگی اقتصاد، فرایند همکاری را به‌عنوان فرایندی بی‌انتهای در جهت نهادسازی بسترمند سوق داد. در این راستا، شورای همکاری خلیج فارس به ایجاد کمیته‌های تخصصی مانند کمیته صادرات، کمیته همگرایی اقتصادی، کارگزاری‌های ویژه منطقه در سطح فراملی اقدام کرده و همین امر، انگیزه بازیگران برای تقویت همگرایی اقتصادی را افزایش داد. این فعل و انفعالات به‌شکلی سیستماتیک (همکاری‌های سازمان‌یافته) شرایط را برای ظهور فرایند اولیه همگرایی اقتصادی فراهم نموده که در آن، شورای همکاری خلیج فارس به انعقاد موافقت‌نامه یکپارچگی اقتصادی و همچنین، ایجاد منطقه آزاد تجاری اقدام کرده که در نتیجه آن، چندجانبه‌گرایی بین اعضا با همگرایی بخشی تقویت می‌گردد.

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری یا تعمیق همگرایی اقتصادی / ۱۷۹

افزایش سطح انسجام نهادی با نهادسازی بسترمند، کوشش اعضا برای رفع چالش‌های پیش‌رو و تقویت انگیزه اعضا برای حرکت در جهت اهداف مشترک تعیین شده در فرایند نهادی، ضرورت مدیریت همکاری‌ها در فرایند همگرایی را فراهم ساخت که این مهم، در موافقت‌نامه سال ۲۰۰۱ وجهه عملی به خود گرفت. این موافقت‌نامه به‌عنوان جایگزین موافقت‌نامه اولیه، همگرایی اقتصادی را در فرایند نهایی یا تکمیلی قرار داد؛ زیرا بر پیگیری سریع اهدافی، چون: ایجاد اتحادیه گمرکی، همگرایی زیرساختی، اتحادیه پولی و غیره مطرح ساخت. در راستای پیگیری این اهداف، در چهارچوب الگو، تجزیه و تحلیل به‌طور کلی نشان می‌دهد که شورای همکاری خلیج فارس در این فرایند، علی‌رغم وجود برخی چالش‌ها، عملکرد نسبتاً خوبی داشته است. در این مرحله، همگرایی بخشی به‌تدریج به سایر حوزه‌های همکاری سرایت کرده (همگرایی در حوزه برق، به همگرایی در سایر حوزه‌های زیرساختی چون: حمل و نقل، انرژی، نفت و گاز و صنعت هوانوردی) و همین امر ضمن تعمیق همگرایی، زمینه را برای افزایش وابستگی متقابل بین اعضا فراهم ساخته است.

با وجود این، نمی‌توان گفت که این شرایط بدون هیچ تحولی تداوم خواهد یافت؛ زیرا تحولات منطقه‌گرایی اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس در بستر سامانه منطقه‌ای در دوره‌های زمانی مختلف (چنانکه در بالا بیان شد) تحت تأثیر متغیرهای چالشی (اختلافات سیاسی داخلی بر سر موضوع‌های مختلف، مناقشات امنیتی و مسائل اقتصادی مورد اختلاف) ممکن است دچار تحول به‌شکل رگرسیون و بازخیزی منطقه‌گرایی گردد. آخرین رگرسیون منطقه‌گرایی شورای همکاری خلیج فارس از اختلافات اخیر عربستان سعودی و سایر دولت‌های عربی عضو با قطر بر سر موضوع‌های مختلف در سطح سامانه داخلی (روابط با اخوان المسلمین، موجودیت شبکه الجزیره و ...)، سامانه پیرامونی (روابط قطر با ایران) با نقش‌آفرینی سامانه مداخله‌گر (آمریکا) نشأت گرفته است که با توجه به

اهداف این مقاله و نیز گستردگی ابعاد تحلیلی این تحولات و تأثیرگذاری آن بر منطقه‌گرایی اقتصادی، بحث تفصیلی در این خصوص را به پژوهش‌های بعدی موکول خواهیم کرد(۱).

پی‌نوشت

۱- برای مطالعه مباحث تکمیلی تحولات منطقه‌گرایی اقتصادی در بستر سامانه منطقه‌ای شورای همکاری خلیج فارس با رویکرد آینده‌پژوهی نک: رضا اکبریان و محسن شکری، «جهانی‌شدن اقتصاد و منطقه‌گرایی اقتصادی درحوزه شورای همکاری خلیج فارس» فصلنامه سیاست جهانی، ۵ (۲)، تابستان ۹۵. در این مقاله، به تفصیل تأثیرگذاری مناقشات سیاسی، اختلافات امنیتی، اقتصادی و غیره بر تحولات منطقه‌گرایی اقتصادی تا سال ۲۰۱۰ تبیین شده است و در آینده نیز ادامه خواهد داشت.

منابع

منابع فارسی

- برچیل اسکات و دیگران. (۱۳۹۱). *نظریه‌های روابط بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده و ابوطالب طالبی آرانی، تهران: میزان.
- سیف زاده، حسین. (تابستان ۱۳۸۹). *نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل؛ مبانی و قالب‌های فکری*، تهران: سمت، چاپ هفتم.
- فالتزگراف رابرت و دنورتی جیمز. (۱۳۹۱). *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: قومس، چاپ چهارم.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۶). *روابط بین‌الملل؛ نظریه و رویکردها*، تهران: سمت، چاپ چهارم.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۹۰). *نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: سمت، چاپ ششم، زمستان.
- فتوحی، صمد. (فروردین ۱۳۸۹)، «جهانی‌شدن و همگرایی منطقه‌ای در کشورهای خلیج فارس»، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، ایران، زاهدان.

منابع عربی

وزاره مالیه. (دیسمبر ۲۰۱۱). *محلّق الخاص حول التکامل المالی و الاقتصادی الخلیجی*.

منابع انگلیسی

- Abdulla ,Abdulkhaleq.(September ۲۰۱۰). "Contemporary sociopolitical issues of the Arab Gulf moment", Kuwait Programme on Development, Governance and Globalisation in the Gulf States, Number ۱۱.
- Al Makhawi ,Rashid.(۱۹۹۰). " *The Gulf cooperation Council a study Integreation*" International Studies Unit University of Salford.
- Antoniadesi ,Alexis.(January ۲۰۱۱). " *The Gulf Monetary Union*", Prepared for CIRS' Political Economy of the Gulf working group.
- Bin Rashid al Khater ,Khalid.(may ۲۰۱۲). " *The monetary union of the Gulf cooperation council and structural changes in the globe economic: aspiration,challenge and long-term strategichenefits*", Research Paper, Arab center for research and policy studies.

- Babar R, Zahra. (٢٠١١). " *Free Mobility within the Gulf Cooperation Council*", Center for International and Regional Studies, Georgetown University School of Foreign Service in Qatar, Occasional Paper No. ٨.
- ECA (Economic Consulting Associates).(February ٢٠١٠). " *The Potential of Regional Power Sector Integration Gulf Cooperation Council Countries / Transmission Trading Case Study*", Economic Consulting Associates, Economic Consulting Associates Limited Lonsdale Road, London NW٦٦RA.
- H. Lawson, Fred .(٢٠١٢). " *Transformations of Regional Economic Governance in the Gulf Cooperation Council*", Center for International and Regional Studies , Georgetown University School of Foreign Service in Qatar.
- Hwang K.D. (٢٠٠٦). " *Teorising politico- security regionalism*", Uneversity of pertoria etd.
- Kotiuga, W Willy." *The Power of Regional Interconnections*", Paper for submission to Session on Issue ١,٧: Energy supply bottleneck, Montreal, Canada.
- Oteng Kufuor, Kofi .(May ٢٠١٠). " *The Economic Agreement between the Gulf Countries Council* ", Economic Integration in Developing Countries, University of Birmingham, www.b-ham.ac.uk.
- Ombaerde De, Philippe, Söderbaum , Fredrik, et al.(April ٢٠٠٩) . " *The Problem of Comparison in Comparative Regionalism* " , Miami - Florida European Union Center, Jean Monnet Chair Staff , Published with the support of the EU Commission, Vol. ٩ No. ٧.
- Lotfian, Saideh .(Winter ٢٠٠٧-٠٨). " *New Security Challenges in the Persian Gulf Analyzing the National Interests of Iran, US, and PGCC Triad*", The Iranian Journal of International Affairs Vol. XX, No.١.
- Mirus, Rolf and Rylska, Nataliya .(٢٠١٠) . " *Economic Integration Free Trade Areas Vs. Custom Unions*", Western Centre for Economic Research.

شورای همکاری خلیج فارس: از مدیریت همکاری یا تعمیق همگرایی اقتصادی / ۱۸۳

Mohammad Nia, Mahdi (March ۲۰۱۱). " *Holistic Constructivist Approach to Iran's Foreign Policy*", International Journal of Business and Social Science, Vol. ۲ No. ۴.

Maurise Serhal, Celine (۲۰۱۰). " *Arab economic Integration: between regionalism and globalization* ", American University of Beirut.

Naji Saeid, Jawan, Jayum A. (May ۲۰۱۱). " *Role of the Persian Gulf's Oil in the US Geopolitical Codes during the Cold War Geopolitical Order*", International Journal of Humanities and Social Science Vol. ۱ No. ۵.

Naithani ,Pranav.(January, ۲۰۱۰). " *Challenges Faced by Expatriate Workers in Gulf Cooperation Council Countries*", International Journal of Business and Management, Vol. ۵ No. ۱.

OIC, " *Enhancing economy and commerical cooperation among OIC member of countries* ", www .comcec.org , www. sesrice .org.

Popescu Maria-Magdalena, Suha Mustafa.(April ۲۰۰۱) . " *The Gulf Monetary Unification Opportunities and Challenges*" Economic Information ,Arab Bank E V I E W Vol. ۳, No. ۱.

Alasfoor ,Reyadh.(۲۰۰۷). " *The Gulf Cooperation Council Its Nature and Achievements*The Gulf Cooperation Council: Its Nature and Achievements *A Political Analysis of Regional Integration of the GCC States ۱۹۷۹-۲۰۰۴*", Lund Political Studies ۱۴۹ Department of Political Science Lund University, <http://www.svet.lu.se/lps/lps.html>.

Rouhi Dehboneh, Majid.(۲۰۱۱). " *New Approach to Reasons for Disintegrations of Iran and Persian Gulf Cooperation Council*", European Journal of Social Sciences – Volume ۲۴.

Rettab Belaid, Istaitieh Abdulaziz.(۲۰۰۷). " *GCC Economic Integration in Focus With Special Reference to the UAE* ", DCCI – Data Management & Business Research Departmen, Website: www.dcci.ae.

- Sturm ,Michael, Siegfried Nikolaus.(June ٢٠٠٥)." *Regional monetary integration in the members states of the Golf cooperation Coucil*", European Central Bank, Occasional paper serius NO. ٣١
- Sturm ,Michael, Siegfried Nikolaus.(july ٢٠٠٨)." *The Gulf Cooperation Council countries economic structures recent developments and role in the global economy*", European Central Bank, Occasional paper serius NO. ٩٢
- Shediak ,Richard ; Abouchakraet ,Rabih ,et al.(٢٠١١)." *Economic Diversification The Road to Sustainable Development*", Booz & Company Inc.
- Song, NIU.(٢٠١٠) ." *The Economic and Trade Cooperation between ASEAN and the Gulf Cooperation Council*", Journal of Middle Eastern and Islamic Studies (in Asia) Vol. ٤, No. ٤.
- Sevilla ,Henelito A.(٢٠١١) ." *Re-constructing the Political Mindset of the Persian Gulf Security*" International Journal of West Asian Studies, Vol. ٣ No. ١.
- Sajedi ,Amir.(Summer ٢٠٠٩):) *Geopolitics of the persian Gulf security: Iran and the united states*" , IPRI Journal IX, no.٢.
- Sparrow , F.T. , et al .(October ٢٠٠٢) "*The Gulf Cooperation Council & Economic Integrated Electricity Planning, ٢٠٠٣ to ٢٠١٥* ", purdue University , West Lafayette, Indiana, U.S.A.
- World Bank.(October ٢٠١٠)." *Economic Integration in the GCC* ", The International bank of Reconstruction and Development , Office of the Chief Economist Middle East and North Africa Region The World Bank. Middle East Economic Digest (MEED)," Statistics and reports ",www Meed.org